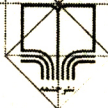
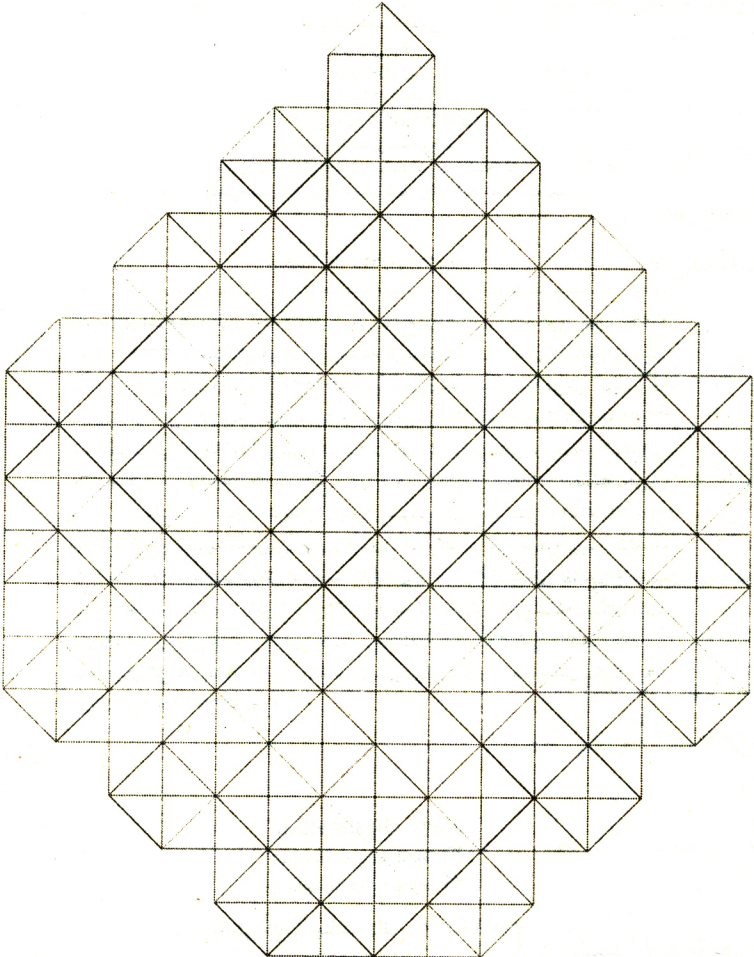


جان هینلز

شناخت اساطیر ایران

ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی



فهرست مطالب

صفحه

۹.....	پیشگفتار مترجمان
۱۱.....	مقدمه
۱۲.....	طرح کلی تاریخ ایران
۲۱.....	منابع اسطوره‌ها
۲۴.....	طبیعت اسطوره
۲۷.....	اساطیر ایران باستان
۲۹.....	تصویر عالم
۳۲.....	خدایان باستانی
۳۴.....	ویو (وای)، باد
۳۶.....	تیشتریه (تیشتر)، دیو خشکسالی
۳۸.....	آناهیتا (ناهید)، آبهای نیرومند بی آرایش
۴۱.....	ورثرغنه (بهرام)، پیروزی
۴۳.....	ریشوین، سرور گرمای نیمروز
۴۶.....	خلاصه
۴۷.....	خدایان مرتبط با آیینهای دینی
۴۷.....	آتر، آتش
۵۰.....	هؤمه (هوم)، گیاه و خدا
۵۲.....	خلاصه

صفحه	
۸۵	اسطوره آفرینش
۹۱	نخستین پدر و مادر بشر
۹۳	خدا و انسان
۹۵	اسطوره‌های پایان جهان
۹۵	زندگی پس از مرگ
۹۸	زندگی آن جهانی
۹۸	بهشت
۹۹	دوزخ
۱۰۲	داوری جهانی
۱۰۳	دوران آهن
۱۰۳	نخستین منجی
۱۰۵	دومین منجی
۱۰۶	سومین و آخرین منجی
۱۰۹	کیش زروانی، بدعتی در دین زردشتی
۱۱۷	اساطیر کیش مهر
۱۳۹	اسطوره و پیامبر
۱۴۹	اسطوره و شاه
۱۶۱	اسطوره و تاریخ
۱۶۳	اسطوره و تفسیر تاریخ

صفحه	
۵۵	قهرمانان ایزدی
۵۵	یمه (جم)
۵۷	هوشنگ و تخمورز (تهمورث)
۵۹	ثریته (اثرط)، ثریتونه (فریدون)
۶۱	کرساسپه (گرشاسب)
۶۳	خلاصه اساطیر باستانی
۶۵	اساطیر زردشتی
۶۷	ستیز میان خدایان و دیوان
۶۹	نیروهای خیر
۶۹	آهوره مزدا، سرور دانا
۷۰	آمیسه سینه‌ها (امشاسپندان)، پسران و دختران خدا
۷۱	وهومتنه (بهمن)، اندیشه نیک
۷۲	آشه (اردیبهشت)، راستی
۷۴	خشتره ویریه (شهریور)، شهریاری مطلوب
۷۴	آزمیتی (اسپندارمد)، اخلاص
۷۵	هوروات (خرداد) و امرتات (مرداد)، کمال و بیمرگی
۷۵	سروش (سروش)، فرمانبرداری
۷۸	ایزدان یا موجودات ستودنی
۸۰	نیروهای شر
۸۰	انگره مینیو (اهریمن)
۸۱	آیشمه، خشم
۸۲	آزی دهاکه (ضحاک)
۸۳	طبیعت شر

بازسازی تاریخ بنا بر اسطوره	۱۶۶
اسطوره، مناسک و نمادپردازی	۱۷۱
مراسم مربوط به درگذشتگان	۱۷۵
مناسک آتش	۱۷۷
هوم و نثار مرتبط با مناسک آن	۱۸۱
مفهوم اسطوره و مناسک	۱۸۳
نتیجه‌گیری: اسطوره و ایمان	۱۸۹
مفهوم خدا و جهان و انسان	۱۹۱
فهرست مآخذی که در متن به اختصار به آنها ارجاع داده شده است	۱۹۹
فهرست برخی از اصطلاحات	۲۰۰
کتاب نامه	۲۰۱
فهرست عمومی	۲۰۳

خدایان باستانی

عبادت نه در عبادتگاه بزرگ یا معبد بلکه در فضای باز بر روی کوه‌ها انجام می‌گرفت. ایرانیان باستان عادت داشتند که «بر بلندترین قله‌های کوه‌ها بالا روند و برای زئوس^۱ قربانی کنند. آنان تمام گنبد آسمان را زئوس می‌نامند و همچنین برای خورشید و ماه و زمین و آتش و آب و باد قربانی می‌کنند.» (هرودوت، یکم، ۱۳۱، مولتن، آیین زردشتی اولیه، ص ۳۹۱ و بعد). محراب‌های آنان در معابد نیست، بلکه در بلندی‌های کوه‌هاست. نقش‌های برجسته بزرگ و کتیبه‌های شاهان در مراکز بزرگ تمدن نیستند، بلکه بر سینه صخره‌ها جای دارند.

گرچه خدایان غالباً با تصویرپردازی‌های^۲ اساطیری توصیف شده‌اند، اما نسبتاً اسطوره‌های کمی درباره آن‌ها روایت شده است. این خدایان با اصطلاحات خاص توصیف انسان^۳ و صف شده‌اند مانند خدایان گردونه‌ران که در گردونه‌های زیبایی که آن‌ها را اسبان بیمرگ می‌کشند، به پیش می‌تازند. اما چون به این «انسان ماندگی»^۴ خدایان دقت کنیم، می‌بینیم که این خصوصیت از میان می‌رود. به عنوان مثال آمده است که خدای بزرگ میثَرَه^۵ (= مهر) هزار

۱. منظور اهوره مزداست. (م)

2. imagery

3. anthropomorphic

4. anthropomorphism

5. Mithra



چشم دارد؛ این نکته نماد بارزی است بیانگر این عقیده که هیچ‌کس نمی‌تواند خطای خود را از این خدا بپوشاند و از عواقبش بگریزد.

بسیاری از دانشمندان معتقدند که چون جامعه هندواروپایی به سه طبقه یعنی فرمانروایان، جنگجویان و کشاورزان^۱ تقسیم می‌شد، خدایان نیز به سه دسته تقسیم می‌شدند. این فرضیه مربوط به ساخت «سه گانه» جامعه بشری و ایزدی همچون کلیدی برای گشودن بسیاری از مشکلات اسطوره‌شناسی ایران به کار گرفته شده و احتمالاً در این مورد افراط شده است؛ اما می‌توان به این موضوع کاملاً معتقد بود که سلسله مراتب خدایان براساس الگوی بشری ساخته شده است.

خدایان فراوانی در اساطیر ایرانیان باستان بوده‌اند و تعداد آنان بیش از آن است که بتوان در اینجا درباره همه آنان بحث کرد. فقط می‌توانیم به شخصیت‌های اصلی در تفکرات هندو ایرانی و بومی ایرانی نظری بیفکنیم.

ویو^۱ (وای)، باد

باد که در ابر باران‌زا زندگی می‌آورد و در طوفان مرگ، یکی از اسرارآمیزترین خدایان هندو ایرانی است. در یکی از متون هندی درباره او آمده است که وی از نفس غول جهانی که دنیا از بدن او ساخته شده، پیداگشته است. برگردونه تیزروی که آن را صد یا حتی هزاراسب می‌کشند، سواراست. اوست که «نورهای گلگون» یعنی برق را ایجاد می‌کند و سپیده‌دم را هویدا می‌سازد.

در ایران وی شخصیتی بزرگ و در عین حال معمایی است. برای او هم آفریدگار (اهورَه مزدا) قربانی می‌کند و هم اهریمن (انگَرَه مَینو)^۲. آفریدگار بر تختی زرین در زیر ستون‌های زرین که آن‌ها را سایبان‌های زرین پوشانیده‌اند،



آدو (Oado)، خدای باد بنا به اعتقاد کوشانیان، احتمالاً از کلمه ایرانی واته (Vata) «باد» یعنی عنصری که ویو (وای) بر آن نظارت دارد، مشتق شده است. امپراطوری کوشانی از ناحیه گنگ تا آسیای میانه در طول سه قرن نخستین میلادی گسترش داشته و دین آنان از افکار چینیان و هندیان و ایرانیان و رومیان تأثیر پذیرفته است. از این رو بسیاری از خدایانی که بر روی سکه‌های‌شان دیده می‌شوند، از دین ایرانیان اقتباس شده‌اند.

۱. در متن انگلیسی: کارگران تولیدکننده. (م)

۲. Vayu: در متن‌های پهلوی وای. (م)

۳. اهریمن. در پشت پانزدهم که اختصاص به وای دارد، از اینکه اهریمن برای وای قربانی کرده باشد، سخنی به میان نیامده است. تنها بعضی از موجودات اهریمنی مانند آزی‌دهاکه (ضحاک) او را ستایش کرده‌اند. (م)